



طراحی کردیم و تجربیات خوبی به دست آوردیم. گرچه در ایران آب به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، وضعیت پوشش، جنس خاک و شیب، نسبت به همه چیز مهمتر است اما نمی‌توان آن را به صورت مجرد مدیریت کنیم؛ نمی‌توان حتی گفت مدیریت جامع آب در حوضه آبریز بلکه باید بگوییم، مدیریت جامع آب در حوضه آبخیز یعنی آب، خاک، گیاه، انسان و همه چیزهایی که در آن دخالت دارد.

خوشبختانه اسناد بالادستی خوبی در کشور داریم، اما متأسفانه سیاست‌گذاران کمتر به سمت اجرای این اسناد رفتند، اصل ۴ سیاست‌های کلی نظام می‌گوید مدیریت یکپارچه حوضه آبخیز از بالادست تا جالیز، هماهنگی بین اقدامات سدسازی و آبخیزداری و اقتصادی و اجتماعی انسان و شبکه‌های توزیع که عملاً هیچ کدام اتفاق نیفتاد.

چرا وضعیت این گونه است؟

به دلیل این که در کشور یک سازمان مثل سازمان برنامه‌ریزی که نگاه تلفیقی داشته باشد در این حوزه وجود ندارد. این هاشی از مدیریت بخشی در کشور است، یعنی هر بخشی می‌خواهد کار خودش را انجام بدهد و گوی رقابت جذب اعتبارات را بر باید، رقابتی که گاهی اقدامات هر بخش را خنثی می‌کند یا سبب موازی کاری یا فاصله می‌شود.

اگر بحث‌های مدیریت جامع حوضه آبخیز در ایران انجام شود، بحث خشکسالی، بیلان منفی آب‌های زیرزمینی، خطر سیلاب‌ها، پر نشدن مخازن سدها و هزاران موضوع دیگر که مرتبط با آب است، کمتر می‌شود.

آیا شما با مدیریت متمرکز آب، موافق هستید؟ یا این که باید سیاست‌گذاران، اسناد بالادستی را در همین دستگاه‌های موجود محقق کنند؟

عملاً در هیچ کشوری چنین اتفاقی نمی‌افتد که همه موضوعات آب بخواهد در یک جا جمع شود، آب همان طور که گفتم با خاک، کشاورزی، گیاه و انسان و هواشناسی مرتبط است؛ اگر همه این‌ها را یک جا جمع کنیم، همان دولت می‌شود.

بنابراین چنین چیزی امکان‌پذیر نیست و ما هم دنبالش نیستیم، بلکه ما یک برنامه واحد و تلفیقی می‌خواهیم که کسانی که دست اندر کار موضوع آب هستند، برنامه‌هایشان با هم تلفیق و هماهنگ شود، مشکل ما همین برنامه‌ریزی فرابخشی است.

این برنامه‌ریزی فرابخشی الان بر عهده چه کسی است؟

سازمان مدیریت سابق یا معاونت برنامه‌ریزی فعلی، وظیفه این سازمان یا دولت این است که برنامه‌های مختلف دستگاه‌ها را بگیرد، بخش آب کشاورزی، وزارت نیرو، صنایع، منابع طبیعی و محیط زیست را بگیرد، با هم تلفیق کند و بعد راهکار اصلی را هدایت کند.

اگر این کار را می‌کردند ممکن بود که زودتر از این‌ها بگویند سدسازی کمتر شود یا برویم به سمت کارهایی که تبخیر را کاهش و نفوذ را

در حاشیه

۵۷ سال پاسکاری

آبخیزداری و آبخوانداری در قصه پر غصه آب، کلاف پیچ در پیچی است که طی سال‌های مختلف سرنخ آن بین دستگاه‌های دولتی مختلف پاسکاری شده است و هنوز هم زمزمه‌هایی از آن وجود دارد، در شرایط بحرانی منابع آب آبخیزداری نوشداری پس از مرگ سهراب خواهد شد؟

پیشینه آبخیزداری در ایران

ابتدایی‌ترین کارها در قالب پژوهش موردی از سال ۱۳۳۶ با همکاری کارشناسان فائو توسط سازمان سابق جنگلبانی ایران با هدف مطالعه فرسایش آبی و اندازه‌گیری رسوب بود اما اولین مطالعات و عملیات اجرایی آبخیزداری در قالب برنامه و بودجه مصوب در وزارت منابع طبیعی شکل گرفت. در دوران نسبتاً کوتاه عمر این وزارت (۴۶-۴۹) چند طرح بزرگ ملی از محل اعتبارات نفت با تصویب سازمان برنامه و بودجه تعریف و راه‌اندازی شد که از جمله آنها در طرح ملی آبخیزداری و تثبیت شن‌های روان بود. برنامه‌ریزی و نظارت این دو طرح ملی در یک اداره کل بنام دفتر فنی خاک متمرکز گردید.

بعد از انحلال وزارت منابع طبیعی، ادغام آن در وزارت جدید التاسیس کشاورزی و

منابع طبیعی در سال ۱۳۵۹ و تاسیس سازمان جنگل‌ها و مراتع طبیعی کشور که وظایف وزارت منحل منابع طبیعی را به عهده گرفت در تشکیلات جدید آن، دفتر فنی خاک هم تغییر نام یافت و با همان مسئولیت و وظایف دفتر حفاظت خاک و آبخیزداری عنوان گرفت.

شیوه‌های مدیریت حوزه آبخیز

با توجه به نبود تجربه، کمبود متخصص و نوبا بودن این علم در کشور با الهام از کارهایی که در جنوب فرانسه، ایتالیا و شمال آفریقا (کشورهای الجزایر، تونس و مغرب) انجام گرفته بود، یکسری کارهای فیزیکی (مهندسی) نظیر بانکت، سکو (پشته) فارو، چک دم (بند سار) همراه با اقدامات بیولوژیکی احیائی مانند نهالکاری و بذرکاری انجام گرفت که با وجود جنبه‌های مثبت آموزشی ترویجی بدلیل فقدان طرح‌های مطالعاتی جامع بعضاً توأم با شکست هم بود. ولی تدریجاً با افزایش آگاهی‌ها و ضرورت‌های توسعه این علم پرداختن به کارهای علمی اوج گرفت و سطح و حجم کار هم توسعه یافت.

دهه ۱۳۵۰؛ تربیت کارشناس در خارج یا کپی برداری؟

انجام کارهای اجرایی و آبخیزداری با روش آزمون و خطا، شروع کارهای مطالعاتی در تعدادی از حوزه‌های آبخیز سدهای مخزنی کشور، پرداختن به آموزش کادر، تجهیز امکانات و تمرکز کارها روی سدهای مخزنی و نگاه اندک به آبخیزداری در خارج از حوزه آبخیز سدها، اعزام گروه‌های کارشناس برای

اصل ۴ سیاست‌های کلی نظام می‌گوید مدیریت یکپارچه حوضه آبخیز از بالادست تا جالیز، هماهنگی بین اقدامات سدسازی و آبخیزداری و اقتصادی و اجتماعی انسان و شبکه‌های توزیع که عملاً هیچ کدام اتفاق نیفتاد